

نظریه استخدام علامه طباطبائی و آثار سیاسی و حقوقی آن

mohammadd.ghodsi@gmail.com

محمد قدسی / دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

چکیده

استخدام به‌عنوان یکی از ادراکات اعتباری قبل از اجتماع، نظریه‌ای است که علامه طباطبائی آن را برای تبیین پیدایش اجتماع و روابط اجتماعی مطرح کرده است و بیانگر این است که انسان قبل از اجتماع به انگیزه استخدام انسان‌های دیگر همچون اشیاء و حیوانات با آنها رابطه برقرار کرده است که در نتیجه، همراه با ایجاد اجتماع، روابطی یک سویه و نابرابر در میان انسان‌ها به وجود آمده است و موجب بهره‌کشی انسان‌های قدرتمند از ضعیفان شده است که نتیجه آن تباهی اجتماع است. برای جلوگیری از این وضع باید حقوق در روابط اجتماعی توازن ایجاد کند و با برقراری عدالت اجتماعی در چارچوب قواعدی روشن و قابل اجرا، این روابط را به گونه‌ای سامان دهد تا استخدام به صورت برابر و دوسویه انجام شود و موجب بهره‌برداری همگانی از هم شود تا زمینه رستگاری و تعالی عمومی فراهم گردد. این مقاله با بررسی آثار علامه طباطبائی درباره استخدام، ضمن توصیف این نظریه و ابعاد آن به تحلیل آثار سیاسی و حقوقی و نتایج عملی آن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: استخدام، ادراکات اعتباری، اجتماع، عدالت اجتماعی.

هرچند اجتماعی بودن انسان اکنون قابل تردید نیست و اصلی پذیرفته شده و شاید بدیهی می‌باشد، ولی آیا انسان‌ها از آغاز آفرینش خود با هم زندگی می‌کرده‌اند؟ آیا انسان‌های اولیه به صورت گروهی با هم بوده‌اند؟ اگر به صورت گروهی با هم بوده‌اند عوامل طبیعی موجب شده بود که با هم باشند یا عوامل خارجی و اوضاع محیط زیست آنها؟ واقعیت آن است که جدا از اجتماعی در حد خانواده که به صورت غریزی از آغاز آفرینش انسان وجود داشته است، زیرا بدون چنین خانواده‌ای که حداقل از یک زن و مرد تشکیل شده باشد امکان بقاء انسان و استمرار و گسترش نسل او وجود نمی‌داشت، اجتماعی گسترده‌تر از خانواده معلوم نیست که از آغاز وجود داشته است یا نه؟ در این باره دلایل و نشانه‌های تاریخی یا طبیعی متقنی در دست نیست. اما به هر حال، تاریخ زندگی اجتماعی انسان تقریباً نزدیک است با ظهور انسان بر عرصه طبیعت. درباره زندگی اجتماعی انسان و اینکه چرا و چگونه انسان‌ها به صورت گروهی، زیست خود را پایه‌گذاری کردند و اجتماعی فراتر از خانواده را تشکیل دادند علت‌هایی بیان شده است که از جمله آنها سه علت یا منشأ طبیعی، اضطراری و انتخابی می‌باشد.

در میان نظریه‌هایی که درباره منشأ زندگی اجتماعی انسان مطرح شده است، یکی از مهم‌ترین آنها نظریه استخدام است که به وسیله علامه طباطبائی بیان شده است که این نظریه و آثار سیاسی و حقوقی آن با روشی توصیفی تحلیلی موضوع این پژوهش است. با توجه به اینکه نظریه استخدام به‌عنوان تبیین‌کننده منشأ و علت زیست اجتماعی انسان به وسیله مرحوم علامه طباطبائی در آثار فلسفی، اصولی و قرآنی ایشان آمده است. در این پژوهش تقریباً به همه این آثار استناد شده است تا در حد توان امکان استنباط نزدیک به حقیقت از این نظریه ممکن شود و آثار سیاسی و حقوقی آن تبیین گردد. در این راه به این موضوع پرداخته می‌شود که منشأ استخدام در آغاز در طی چه مباحثی مطرح می‌شود؟ و از کجا ناشی می‌گردد؟ سپس مفهوم استخدام واکاوی می‌شود و در ادامه این بررسی، به این نکته پرداخته می‌شود که این نظریه چه آثار سیاسی و حقوقی را ممکن است در پی داشته باشد.

درباره نظریه استخدام علامه طباطبائی کارهایی انجام شده است و تحقیقات مناسبی صورت گرفته است، ولی آنچه مورد توجه قرار نگرفته، آثار و پیامدهای این نظریه در عرصه اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روابط انسانی است. با توجه به اینکه این نظریه گزارشگر واقعی جریان حاکم بر جامعه و قدرت سیاسی است که تجربه تاریخی آن را به ثبوت رسانده است و پیوسته در حال تکرار است، بدون در نظر گرفتن آن، حقوق به‌ویژه حقوق عمومی به‌عنوان فن سامان‌دهنده روابط انسانی نمی‌تواند این روابط را به گونه‌ای قالب‌بندی کند که از سوءاستفاده از آن جلوگیری شود و قدرت سیاسی در جهت منافع عمومی به کار گرفته شود. شکست و عدم موفقیت قوانین و راهکارهای حقوقی در برابر سوءاستفاده از قدرت، نشان روشنی بر نادیده گرفتن نظریه استخدام در تنظیم و اجرای این قوانین و راهکارها است که باید مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد و در تصویب قوانین سازمان‌دهنده روابط اقتصادی، اداری و سیاسی این نظریه را همواره مد نظر داشته باشند.

همچنان که علوم پایه از جمله فیزیک، امکاناتی در اختیار هواشناسی قرار می دهد که پدیده های جوی و وضعیت آب و هوایی را پیش بینی کند و همین پیش بینی در حوزه های مختلف کشاورزی و مقابله با حوادثی همچون سیل، طوفان و خشکسالی به کار گرفته می شود تا خطر این حوادث طبیعی از بین برود یا کاهش یابد و فاجعه آفرین نشود و بدون استفاده از داده های این علوم، مقابله با پدیده های زیان بار آب و هوایی ناممکن است. بدون شناخت واقعی انسان و گرایش های حاکم بر او، حقوق و سایر نظام های سامان دهنده روابط اجتماعی نمی توانند این روابط را به گونه ای موفقیت آمیز سازماندهی نمایند که تأمین کننده خوشبختی انسان باشد. از این رو، تا هنگامی که نظریه استخدام که در عمل اجتماعی و تجربه تاریخی صحت آن به اثبات رسیده است در تنظیم روابط اجتماعی و قالب بندی قدرت مورد توجه قانون گذاران و حقوق دانان قرار نگیرد ممکن نیست با سوء استفاده از قدرت و فساد سیاسی مقابله ای جدی و اثر گذار صورت گیرد. بر این اساس، هدف اصلی از نگارش این مقاله ضمن تبیین نظریه استخدام علامه طباطبائی، آثار ناشی از آن بر روابط انسانی و قدرت سیاسی است که وظیفه حقوق عمومی به ویژه حقوق اساسی سامان دهی این روابط و قدرت می باشد به گونه ای که قدرت سیاسی مورد سوء استفاده قرار نگیرد و در جهت تأمین منافع عمومی و خوشبختی همگان به کار گرفته شود.

۱. استخدام چیست و از چه بحثی نشئت گرفته است؟

قبل از پرداختن به تعریف استخدام، لازم است اشاره شود که در بررسی چه موضوعی علامه به طرح نظریه استخدام رسیده است؟ علامه نخستین جایی که در آثارش نظریه استخدام را به کار می برد، مقاله ششم از *اصول فلسفه و روش رئالیسم* می باشد که درباره ادراکات اعتباری است. از این رو، برای رسیدن به چگونگی مطرح شدن استخدام در آغاز به ادراکات اعتباری می پردازیم تا رابطه این ادراکات با استخدام روشن شود تا معلوم شود چگونه ادراکات اعتباری به استخدام منجر می شود.

۱-۱. ادراکات اعتباری چیست؟

نخستین اثری که علامه در آن به امور اعتباری پرداخته است رساله *اعتباریات* است (طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۲) که در ایام تحصیلاتش در نجف قبل از سال ۱۳۱۳ نوشته است (همان، ص ۲۰). در آغاز علامه، اعتبار را این گونه تعریف کرده است: «اعتبار یعنی دادن حد چیزی یا حکم چیزی به چیز دیگر به گونه ای که تصدیقات اعتباری، تصدیقات و علمی است که واسطه بین کمال حیوان فاعل به اراده و نقص او می باشد. همچنان که در رساله اعتباریات بیان کردیم این دانش های اعتباری به ذات برای واسطه بودنشان مطلوب هستند و درخواست آگاهی به آنها نیز مطلوب گیری است که آن غایتشان می باشد... که غرض حقیقی است» (طباطبائی، بی تا، ص ۱۰). در جای دیگر آورده است: «اعتباری معنی تصویری یا تصدیقی است که در خارج از ظرف عمل قابل تحقق نیست» (همو، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸) و «چیزی است که بر موضوعات با نوعی از تشبیه و مناسبت حمل می گردد و برای رسیدن به غایتی

عملی واقع می‌شود، همچون اطلاق سر به زید برای آن که نسبت او با قومش مانند نسبت سر است به بدن. چون او امور آنها را اداره می‌کند و کارشان را اصلاح می‌نماید و هریک به آنچه کار واجب به آن اختصاص دارد اشاره می‌کند» (همو، ۱۳۶۴، ص ۱۵۲). این گونه اعتباریات «از این جهت اعتباری شمرده می‌شوند که وارد مرحله تصرف در اشیاء می‌شود و عملاً موجودات خارجی را برای سود بردن از آنها و حفظ وجود و بقای خود، تحت تأثیر قرار می‌دهند» (همو، ۱۹۷۴، ج ۲، ص ۱۱۴).

بنابراین یکی از انواع ادراکات، ادراکات اعتباری است که برخلاف ادراکات حقیقی، کاشفیتی از حقایق خارجی ندارد و زاییده واقعیت‌ها و تابع نیازها است که ذهن برای برطرف کردن احتیاجات زندگی آن را ساخته است و «معلول اقتضای قوای فعاله طبیعی و تکوینی انسان می‌باشد» (همو، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۱۸۸). آنچه لازم به یادآوری است اعتباریات به‌طور کلی بر دو گونه است: «اعتباریات مقابل ماهیات که آنها را اعتباریات بالمعنی الاعم نیز می‌گوییم و اعتباریاتی که لازمه فعالیت قوای فعاله انسان (یا هر موجود زنده) است و آنها را اعتباریات بالمعنی الاخص و اعتباریات عملی می‌نامیم» (همان، ص ۱۸۶-۱۸۵) که موضوع این بحث همان اعتباریات به معنی اخص است.

از آنچه درباره اعتباریات آمد، استنباط می‌شود که اعتباریات به معنی اخص دارای ویژگی‌هایی است که از جمله آنها: ۱. مطابق خارجی ندارند. ۲. از آثار خارجی برخوردارند، چنان‌که انسانی که ستم را بد می‌داند و به این حکم می‌رسد که باید جلوی ستم را بگیرد وقتی با صحنه‌ای برخورد می‌کند که به کسی ستم می‌شود در برابر ستمگر می‌ایستد و جلوی ستم بر انسان را می‌گیرد. این اثری است در خارج که از یک تصدیق اعتباری گرفته شده است. ۳. اعتباریات پدیده‌ای ذهنی است. ۴. اعتباریات ممکن است دچار تغییر شوند و دگرگونی محیط و نیازها بر آنها اثر بگذارند. ۵. آنها دارای حد و تعریفی نیستند و خودشان استعاری هستند. ۶. اعتباریات ارتباط تولیدی با علوم و ادراکات حقیقی ندارند. اعتباریات به معنی اخص خود به دو گونه است: اعتباریات پیش از اجتماع و اعتباریات بعد از اجتماع. استخدام به عنوان یکی از اعتباریات پیش از اجتماع مورد بررسی علامه طباطبائی قرار گرفته است و دارای آثاری است که پس از تعریف استخدام به آثار سیاسی و حقوقی آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱. استخدام چیست؟

«استخدام» در لغت به معنی دیگری را به خدمت گرفتن است و از مفهوم اصطلاحی آن، طوری که علامه طباطبائی آن را در تبیین چگونگی تشکیل اجتماع و روابط اولیه انسان‌ها با هم به کار گرفته است جدا نمی‌باشد و یک معنی دارند و هر دو به مفهوم بهره‌برداری یکی از دیگری است، خواه این دیگری انسان باشد یا حیوان و اشیاء که در معنی آن تفاوتی به وجود نمی‌آورد و همه آنها استخدام به حساب می‌آیند. چنان‌که علامه خود در تعریف استخدام آورده است: «استخدام عبارت است از: اینکه انسان با تحمیل اراده و بسط سلطه خود، دیگری را در راه برطرف کردن نیازمندی‌های خویش به کار اندازه، از محصول کار او به نفع خویش استفاده کند.

این معنی کم‌کم به صورت ریاست پدیدار می‌شود، مانند رئیس منزل، رئیس قوم، رئیس قبیله و رئیس ملت» (طباطبائی، ۱۹۷۴، ج ۴، ص ۹۳).

استخدام که یکی از ادراکات اعتباری قبل از اجتماع انسان است از این ویژگی انسان ناشی می‌شود که انسان از آغاز زندگی به هرچه که می‌رسد در پی آن است که از آن بهره‌برداری کند. انسان همه چیز را در راه خواهش‌های خود به کار می‌گیرد به‌گونه‌ای که از آغاز زندگی هر آنچه در دسترس انسان قرار می‌گیرد آن را در خدمت خواسته‌های خود درمی‌آورد و در این جهت تا جایی که ممکن است هیچ استثنایی باقی نمی‌گذارد. بنابراین، مقصود علامه طباطبائی از به‌کارگیری واژه استخدام این است که انسان هر آنچه در دسترسش قرار گیرد آن را بدون استثناء در خدمت خود و خواسته‌هایش به کار می‌گیرد و در این راه هیچ‌گونه حدی برای خود در به خدمت گرفتن دیگران قائل نیست. این اصل نه‌تنها در روابط انسان‌ها با هم و روابط انسان‌ها با سایر موجودات اعم از جاندار و بی‌جان حاکم است، بلکه در روابط سایر موجودات با هم نیز حکم‌فرما می‌باشد. برای آنکه «ما در خارج به هر پدیده مادی که می‌رسیم ترکیبی یا همراه ترکیبی است که برای حفظ بقاء خود از خارج به نحوی استفاده می‌نماید و این خاصیت در همه موجودات و به ویژه در یک دسته از موجودات که جانوران زنده را تشکیل می‌دهند بسیار روشن می‌باشد. این دسته مثلاً آب را نوشیده و گیاه یا میوه را خورده و با به کارانداختن جهاز تغذیه و هضم مخصوص خود اجزایی را که بدن خود لازم دارد از وی گرفته و بازمانده را پس می‌دهد و پاره‌ای از جانوران با پاره‌ای از آنها چون گرگ با گوسفند و باز با کبوتر، تغذیه می‌نماید و جانوران باشعورتر و به‌ویژه انسان این روش را نه‌تنها در خواص طبیعی و لوازم مادی به کار می‌برند، بلکه در هر کاری که وابسته به احتیاجات است اگرچه به وسایط زیاد نیز بوده باشد روش آنها همین است» (طباطبائی، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۱۹۳-۱۹۴).

۲. استخدام اصل حاکم بر روابط اجتماع

استخدام نه تنها حاکم بر روابط اجتماع است، بلکه خود به وجود آورنده اجتماع نیز می‌باشد. علامه طباطبائی این پرسش را مطرح می‌کند که آیا انسان به اقتضای طبیعت خود اول اجتماع را تشکیل داد و بعد از پدیدار شدن اجتماع، انسان‌ها شروع کردند تا یکدیگر را به استخدام گیرند و در حد توان خود از دیگران بهره‌برداری کنند یا این که قبل از تشکیل اجتماع، انسان‌ها بنا بر طبع اولیه خویش از هر آنچه در دسترسشان بود بهره می‌جستند و در همین جهت، اجتماع انسان‌ها را هم برای بهره‌برداری خود به وجود آوردند و در واقع اجتماع، محصول استخدام است نه استخدام، دستاورد اجتماع؟ در پاسخ این پرسش می‌گوید هرچند غریزه جنسی موجب کشش انسان‌های نر و ماده به هم می‌شود و کودک با غریزه سیر شدن و دفع گرسنگی از مادر شیر می‌خواهد و مادر از کودک تخلیه پستانهایش را؛ ولی این نیازها دائمی نیستند چنان که بعد از مدتی غریزه جنسی رو به افول می‌نهد و کودک بزرگ می‌شود و ندان درمی‌آورد و نیاز او به شیر خوردن از سینه مادر از بین می‌رود و مادر شیرش خشک می‌شود و دیگر محتاج به

تخلیه آنها نیست. لذا این گزینه‌ها که دائمی نیستند نمی‌توانند عامل ایجاد اجتماع باشند، بلکه آنچه اجتماع را به وجود آورده است، استخدام است. علامه در این باره آورده است: «آیا راهی که طبیعت برای تأمین آرمان و هدف خود برای انسان مشخص می‌سازد همان اجتماع و تعاون است یا اینکه اندیشه استخدام را به مغز انسان وارد می‌سازد که جنس نر و ماده و نوزاد و مادر برای ارضای قوای فعال و پاسخ خواهش غریزی خود به این کارها دست بزنند؟ مرد از روی خواهش غریزی خود آمیزش ویژه‌ای را از زن می‌خواهد و زن نیز کاری که پاسخ‌دهنده همین کار است می‌خواهد. نوزاد از پستان مادر رفع گرسنگی می‌خواهد و مادر نیز از نوزاد خالی کردن پستان از شیر و رفع ناراحتی که در خود می‌یابد می‌خواهد. گواه این سخن این است که این تجهیزات در بیشتر یا همه حیوانات همگانی و همیشگی (کلی و دائمی) نیست؛ زیرا تصور ندارد که همه افراد از شیر تغذیه نمایند و نیز همان طبیعت که انسان را به انجام این گونه کارها دعوت می‌کند دعوت خود را با یک سلسله علوم و احساسات ادراکی چون شهوت جنسی و اشتها و تغذیه و عاطفه و رحم فعلیت می‌دهد ولی همین احساسات را پس از چندی نگاهداری دیر یا زود از دست انسان می‌گیرد، مرد یا زن احساس تمایل جنسی را ندارند. دیگر انسانی که یک روز نام نوزاد داشت شیفته پستان مادر نبوده و خواب و بیداری را با اندیشه شیر نمی‌گذارند. گذشته از اینکه دهانش نیز از دندان پر شده و به سوی غذای جویدنی هدایت می‌شود و از سوی دیگر، پستان مادر نیز خشک شده و دیگر شیر ندارد. پس در حقیقت این گونه اجتماع فرع استخدام بوده و در اثر پیدایش توافق دو استخدام از دو طرف متقابل می‌باشد نه اینکه طبیعت، انسان را مستقیماً به چنین اندیشه‌ای رهبری نماید» (طباطبائی، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۶).

از این رو، از دیدگاه علامه، استخدام اصل اولیه و بلامناع روابط اجتماعی است به گونه‌ای که این اصل هم در روابط میان انسان‌ها با موجودات دیگر حاکم است و هم در روابط انسان‌ها با یکدیگر. چون «انسان برای رفع نیازمندی‌های خود از همه چیز استفاده می‌کند، در راه وصول به مقاصد خود از بسایط و مرکبات زمین کمک می‌گیرد، اقسام نباتات و درخت‌ها را از برگ و میوه گرفته تا ساقه و ریشه و انواع حیوانات و محصولات وجود آنها را به مصرف نیازمندی‌های خود می‌رساند و همه را استخدام نموده و از فواید وجود آنها بهره برده نواقص خود را با آنچه به دست آورده تکمیل می‌کند. آیا انسانی که حالش این است و هرچه پیدا می‌کند در راه منافع خود استخدام نموده از نتایج وجودش استفاده می‌کند وقتی که به هم‌نوع خود رسید به احترام گذاشته رویه‌ای دیگر پیش خواهد گرفت و از راه صفا دست تعاون و همکاری به سوی آنها دراز کرده و در راه منافعشان از بخشی از منابع خود چشم خواهد پوشید؟ نه هرگز» (همو، ۱۳۵۳، ص ۱۲۹-۱۳۰).

همه قراین و شواهد نشانگر این است که استخدام که عامل به وجود آورنده اجتماع است تا هنگامی که عاملی برتر از آن در روابط انسانی پدیدار نشود اصل حاکم بر روابط اجتماعی بوده، هست و خواهد بود. چون «انسان چنان که بارها گفته شده سوگو می‌باشد و همه موجودات را به نفع خود استخدام می‌کند؛ هرچند مایه ضرر دیگران باشد» (طباطبائی، ۱۳۵۴، ص ۹۲-۹۳). چنان که «تاریخ درباره ملل متمدن و غیرمتمدن پیشین نیز، غیر از این

نمی‌گوید که آنها هم همین طریقه را از قدیمی‌ترین دوره‌های انسانی به ارث بردند و از آن پیروی می‌کردند یعنی اجتماع آنها از مجرای استخدام به وجود می‌آمد و افراد تحت یک جامعه که عبارت از حکومت استبداد و سلطه پادشاهی است، گرد هم می‌آمدند» (طباطبائی، ۱۳۵۹، ص ۱۲). بنابراین «از بیان گذشته روشن می‌شود که مقتضای طبع اولی انسان که منافع خود را می‌خواهد این است که دیگران را در راه منافع خود استخدام کند و از بهره کار ایشان استفاده نماید» (همو، ۱۳۵۳، ص ۱۳۰).

علی‌رغم تأکیدات مکرر علامه طباطبائی بر سيطرة استخدام بر روابط انسان‌ها، برای گریز از سوءتعبیر از آن، ابراز داشته است: «البته نباید از کلمه استخدام سوءاستفاده کرد و تفسیر ناروا نمود. ما نمی‌خواهیم بگوییم انسان بالطبع روش استثمار و اختصاص را دارد» (همو، ۱۳۵۸، ص ۱۹۸). شرح اصول فلسفه در این باره آورده است: «انسان به هر انسانی هم به چشم استخدام نگاه می‌کند، و این را هم یک اعتبار عمومی و یک امر فطری برای انسان می‌داند، که انسان بالطبع (استثمارگر) آفریده شده است» (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۱۹۸). تا جایی که در تأیید این نظر آورده است: «اصل در انسان و حیوان تنازع است، همین اصل استخدام بالاخره صورت محترمانه‌ای از تنازع بقاء است که اصل در انسان تنازع است» (همان، ص ۱۹۸). با این وجود، حاکمیت استخدام بر اعمال انسان قاعده‌ای اجتناب‌ناپذیر نیست و انسان آنگاه که از امیال و غرایز خود پیروی نکند و بر اساس اراده آگاهانه و پرورش یافته عمل کند ممکن است روابطش از سيطرة استخدام آزاد شود و رفتارش مطابق با خرد و منطق باشد؛ همچنان که «انسان رشد یافته است که متحرک بالا راده است و اراده مساوی است با آزادی. عقل و اراده انسان را از کشش میل‌ها آزاد می‌کند و به خود متکی می‌کند و با فکر، علی‌رغم میل خودش رفتار می‌کند» (همان، ص ۱۹۹). در این صورت آنگاه که انسان از جاذبه غرایز و امیال رها شود دیگر استخدام در روابط انسانی نمی‌تواند سلطه بلامنازعه داشته باشد.

۳. آثار سیاسی استخدام

این اصل از دیدگاه علامه طباطبائی که «هیچ انسانی در هیچ یک از اوقات زندگیش از حکم استخدام منصرف نمی‌شود» (طباطبائی، ۱۹۷۴، ج ۲، ص ۱۳۰) و بیانگر این است که به صورت طبیعی روابط اجتماعی در زیر سيطرة استخدام قرار دارد، آثاری در جامعه به بار می‌آورد و پیامدهایی دارد که اگر به حال خود گذاشته شود مسیر حرکت انسان را جهت‌دهی می‌کند و سرنوشت نهایی او را تعیین می‌نماید. در این بخش به این آثار و پیامدهای آن پرداخته می‌شود، ولی قبل از این بحث لازم است مشخص شود آیا صرف گرایش غریزی انسان به استخدام برای ظهور آن کافی است یا آنکه استخدام لازمه یا لوازمی دارد؟ که در این صورت در آغاز باید به آن اشاره شود و مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱. بدون قدرت استخدام ناممکن است

هرچند انسان به طور غریزی گرایش به استخدام دیگران را دارد، ولی استخدام اشیاء و افراد بدون قدرت یعنی توان به‌کارگیری دیگران در جهت خواست و سود خود ناممکن است. تا هنگامی که انسان از نظر توانایی و قدرت

در موقعیت برتری نسبت به اشیاء، حیوانات و انسان‌های دیگر قرار نداشته باشد نمی‌تواند آنها را در خدمت خود درآورد. این وضع نه‌تنها در رابطه با انسان‌ها صادق است، بلکه حتی در مورد اشیاء و حیوانات هم واقعیت دارد. انسان تا هنگامی که توانایی به خدمت گرفتن اشیاء را نداشته باشد نمی‌تواند از آنها بهره‌مند شود، همچنان که وقتی توانست حیوانات را در جهت منافع خود به کار بگیرد که در مرحله نخست آنها را رام خود کرد. در این رابطه، احتیاج، عامل مهمی در ایجاد قدرت و به زیر سیطره کشیدن دیگران در جهت منافع خود است؛ چون اگر احتیاج نبود، استخدام هرگز تحقق نمی‌یافت و اگر انسان می‌توانست بی‌نیاز از دیگران، احتیاجات خود را برطرف کند نه اجتماعی تحقق می‌یافت و نه استخدامی به وقوع می‌پیوست. اما احتیاج، انسان را ضعیف می‌کند و همین امر موجب قدرت یافتن انسانی دیگر بر او می‌شود تا از احتیاج او استفاده کند و او را به استخدام خود درآورد که اگر احتیاج نبود نه کسی بر کس دیگری قدرت داشت نه استخدامی صورت می‌گرفت. بنابراین تا احتیاج است یکی بر دیگری قدرت می‌یابد و تا قدرت است استخدام است.

استخدام که با وجود قدرت برتر یکی بر دیگری تحقق پیدا می‌کند اگر به صورت متوازن، برابر و متقابل باشد به‌گونه‌ای که همه طرف‌های استخدام از این رابطه سود ببرند نه تنها زشت و پلید نیست، بلکه خوب و نیکو است که در جهت تعالی انسان و جامعه انسانی می‌تواند نقشی مثبت ایفاء کند و آن در صورتی است که جامعه در وضعیتی باشد که انسان‌ها را در موقعیتی پرورش دهد و شرایطی را برای آنها فراهم کند که همه به یکدیگر نیازمند باشند و به هم احساس نیاز کنند و با هم همکاری داشته باشند. در این صورت قدرت آنها با هم تقریباً متوازن خواهد بود و موجب می‌شود که همه به هم خدمت کنند چون نیاز آنها نسبت به هم متقابل است.

بنابراین، قدرت عامل استخدام است و یکی از عوامل قدرت فرد یا گروهی، ضعف فرد یا گروه دیگر است که آن می‌تواند ناشی از نیاز یکی به دیگری باشد.

از این‌رو، اگر انسان‌ها در شرایطی قرار داشته باشند که نیازمند نباشند به سادگی قدرتی بر آنها سیطره پیدا نمی‌کند و در این وضع یا استخدام تحقق پیدا نخواهد کرد یا اگر تحقق پیدا کند استخدامی دوسویه است و هر دو طرف به هم خدمت می‌کنند و از دستاورد هم بهره‌مند می‌شوند و جامعه‌هایی این چنین از یک طرف دچار پدیده تولید استثمار و بهره‌مندی یک سویه نخواهند بود و از سوی دیگر، از بهره‌مندی متوازن و برابر برخوردار خواهند بود که این وضع نشانگر استقرار عملی عدالت اجتماعی خواهد بود.

با توجه به اینکه «افراد بشر از لحاظ خصوصیات آفرینش و منطقه زندگی و اخلاق و عاداتی که مستند به آن است مختلف هستند و بعضی از حیث قوای بدنی و روحی بر دیگران برتری دارند، نتیجه توأم شدن این اختلاف با قریحه استخدام این است که اجتماع، تعادل و توازن خود را از دست داده و دچار انحراف از جاده عدالت گردد، یعنی نیرومندان از ناتوانان بیش از اندازه‌ای که به ایشان بهره می‌دهند سود ببرند و زبردستان به جای اینکه به سهم خود بار اجتماع را به دوش بکشند شانه خالی کرده و بر زبردستان تحمیل نمایند» (طباطبائی، ۱۳۶۱، ص

۱۹). درحالی که اگر جامعه شریطی را به وجود بیاورد که افراد بتوانند خود نیازهایشان را فراهم سازند یا اگر افراد به دیگران در برطرف کردن نیازهایشان محتاج هستند به گونه‌ای باشد که نیازمندی متقابل باشد و همه افراد جامعه به هم خدمت کنند، دیگر استخدام نه‌تنها بهره‌کنشی یک طرفه نیست، بلکه عاملی در راه بهبود زندگی اجتماعی و رفاه عمومی و تعالی انسان خواهد بود.

۳-۲. قدرت بی‌پروا، فزون‌خواه و سلطه‌جو

قدرت در جوامع انسانی به‌عنوان عامل اصلی استخدام که مورد نظر این مبحث است، توانایی و امکان فرد یا گروه در به دست آوردن اطاعت دیگران در راه اهداف و خواست‌های خویش، می‌باشد. این قدرت که صاحبان آن، حکومت و ابزار اجرایی آن یعنی اداره و کارگزاران، مأمورین و مستخدمین آن به گونه‌ای و تا اندازه‌ای از آن برخوردار بوده و هستند، در طول تاریخ زندگی انسان هنگامی که تحت مراقبت و نظارتی نبوده و از هیچ چیز پروا و باکی نداشته‌اند همواره تجاوزگر و فسادانگیز بوده است و موجب بدبختی، عقب‌ماندگی و تباهی انسان شده است. علاوه بر این که تجربیات و شواهد بی‌شمار تاریخی، مثبت این ادعا است، کتاب الهی قرآن هم که پایه و اساس شریعت است، بیانگر این موضوع می‌باشد.

قدرت بی‌پروا، بی‌مهار، لجام‌گسیخته و بی‌قید و بند در طول تاریخ همواره سرمنشأ فساد و تجاوز بوده است. حکام، فرمانروایان و شاهان سمبل این گونه قدرت بوده‌اند که پیوسته از قدرت سوءاستفاده کرده‌اند و به ندرت حاکم، فرمانروا یا شاهی دیده شده است که از قدرت در راه خیر عموم و منافع ملی جامعه خویش استفاده کرده باشد و در راه تمایلات فردی خود بهره نگرفته باشد. شاهان از آغاز شکل‌گیری حکومت و دولت در جهان تا دوران معاصر، نماد و شاخص ویژه قدرت نامحدود و بی‌پروا بوده‌اند و تاریخ کم‌یاد دارد که شاهی از قدرت در راه منافع فردی خویش استفاده نکرده باشد و اگر در این میان عده‌ای انگشت شمار یافت شوند که از قدرت سوءاستفاده نکرده باشند، حادثه‌ای استثنایی باید شمرده شود که برخلاف اصل کلی و قاعده معمول است. در طول تاریخ، قدرت شاهان آنچنان با ستمگری و تجاوز در هم آمیخته شده است که آنها سرچشمه هر ظلم و جور به‌شمار رفته‌اند و همه فسادها از قدرت آنها برخاسته است و بیدادگری با وجود آنها سرشته است که «ستمگری جز از کسانی که دستی بر آنها نیست سر نمی‌زند؛ زیرا این گناه را فقط خداوندان زور و قدرت مرتکب می‌شوند. از این‌رو، شارع در نکوهش و تهدید ستمگران مبالغه فراوان کرده است تا شاید آن همه نکوهش و تهدید موجب شود تا در نفس کسانی که بر آن توانایی دارند مانعی به وجود آید و پروردگار تو بر بندگان ستم روا نمی‌دارد» (ابن‌خلدون، بی‌تا، ص ۲۸۹).

قدرت لجام‌گسیخته و بی‌پروا آن قدر با شرافت، راستی و درستی و همه ارزش‌های متعالی در تضاد است که امکان جمع آنها تقریباً محال می‌نماید، به‌طوری که تاریخ همواره شاهد انسان‌های بسیاری بوده است تا که قبل از رسیدن به قدرت دم از شرافت و درستی و حتی دین می‌زده‌اند ولی وقتی که به قدرت رسیده‌اند همه آنها را به زیرپا

نهاده‌اند و چه بسا پس از دسترسی به قدرت، خود مرتکب اعمال زشتی شده‌اند که پیش از آن صاحبان قدرت را به خاطر ارتکاب این اعمال نکوهش کرده‌اند، که به طور قطع تاریخ این چنین افراد قدرتمندی را بسیار به خود دیده است. از جمله حوادثی که نشانگر این مدعی است این واقعه مشهور است: «... هنگامی که یزیدبن معاویه برای جنگ با مردم مدینه و گشودن کعبه، لشکر به آنجا فرستاد، عبدالملک بن مروان از این کار سخت خشمگین شد و گفت: ای کاش آسمان به زمین فرود می‌آمد؛ ولی چون خود به خلافت رسید همین کار بلکه بدتر از آن را مرتکب شد؛ زیرا وی حجاج بن یوسف ثقفی را برای محاصره قوای ابن زبیر و فتح مکه به آنجا فرستاد و او کعبه را به منجیق بست. عبدالملک قبل از رسیدن به خلافت یکی از فقهای مدینه به‌شمار می‌رفت و چون پیوسته مشغول تلاوت قرآن بود، او را «کبوتر حرم» می‌نامیدند. اما هنگامی که پدرش مروان درگذشت و بشارت خلافت به او رساندند درحالی که مشغول خواندن قرآن بود کلام الله مجید را با ذکر این جمله که: هذا فراق بینی و بینک، بست و کنار گذاشت» (ابن طقطقی، بی تا، ص ۸۹۹). او با این خطاب نسبت به قرآن که «از این لحظه راه ما از هم جدا می‌شود» (کهف: ۷۸) از یک طرف عدم پایبندی خود را به قرآن، اسلام و همه اصول و ارزش‌های عالی الهی بیان می‌دارد و از طرف دیگر، به صراحت آشتی ناپذیری قدرت بی‌پروا و لجام‌گسیخته را با شرافت و دادگری و صلاح نشان می‌دهد و این نیست جز آنکه «قدرت خاصیتی دارد که وقتی به دست آید حتی بر مردانی که کار خویش را با حسن نیت آغاز کرده‌اند تأثیر مودبانه و غالباً مخرب می‌بخشد» (مک آریو، ۱۳۴۹، ص ۱۳۴).

۴. آثار حقوقی استخدام

رابطه قدرت و استخدام و به‌کارگیری آن در جهت خیر عمومی برای تعالی و خوشبختی انسان همچون رابطه انرژی به‌عنوان منبع قدرت مادی با حرکت و جنبش و تنظیم و گنجاندن آن در وسیله تبدیل انرژی به حرکت همچون دیگ بخار است تا از آن در جهت برطرف شدن نیاز انسان به کار گرفته شود و همچنان که انرژی اگر در دستگاهی مانند دیگ بخار تحت نظم درنیاید و به وسیله انسان‌ها مهار نشود نه تنها نمی‌تواند در خدمت انسان به کار گرفته شود، بلکه مواقعی می‌تواند خطر آفرین و ویرانگر باشد و با تراکم آن در جایی نامناسب و انفجار آن، جان انسان‌هایی را بگیرد و سرمایه آنها را نابود کند. همچنین است رابطه قدرت و استخدام که اگر ناموزون، نابرابر، بی‌تعادل و افسارگسیخته باشد موجب تباهی جامعه می‌شود همچنان که انرژی به‌عنوان منبع قدرت فیزیکی تا تحت نظم درنیاید نابودکننده است ولی وقتی در تحت نظم درآید می‌تواند در خدمت انسان باشد. استخدام هم که از قدرت ناشی می‌شود و با غریزه برانگیخته می‌گردد باید به نظم درآید؛ زیرا «هر وقت انسان قدرتی که فوق قدرت دیگران باشد به دست آورد بی‌محابا به اجتماع، تعاونی و لوازم آن پشت پا زده به استخدام افراد می‌پردازد و منافع کارشان را بدون عوض به خود اختصاص می‌دهد» (طباطبائی، ۱۳۵۳، ص ۱۳۱). قدرت و درپی آن استخدام به خودی خود در جهت رستگاری انسان به کار گرفته نمی‌شوند و این نظریه به

طور خودکار تحقق عینی نخواهد یافت که «انسان با هدایت طبیعت و تکوین پیوسته از همه سود خود را می‌خواهد (اعتباراستخدام) و برای سود خود سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حسن عدالت و قبح ظلم)» (طباطبائی، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۱۹۹). چون گرایش به برابری و دادگری و انصاف اقتضای طبیعی و اولیه انسان نیست که «اگر چنانچه عدالت اجتماعی از مقتضیات اولیه طبیعت انسانی بود باید در غالب امور اجتماعی رعایت عدل و داد و تساوی حقوق افراد بشود و طبقات اجتماع با یکدیگر همکاری و تشریک مساعی نمایند در صورتی که مطلب همیشه درست برعکس است و چیزی که پیوسته رواج داشته و دارد اعمال زور و قدرت، تحمیل زبردستان بر زبردستان، له شدن ناتوان در چنگال توانایان و بندگی و ذلت طبقه ضعیف برای رسیدن طبقه نیرومند به مطامع و مقاصد خودشان است» (طباطبائی، ۱۳۶۱، ص ۱۸-۱۹). از این رو، از آنجاکه انسان به طور طبیعی زیاده‌خواه، سلطه‌طلب، برتری‌جو و خودخواه است و «مقتضای طبع اولی انسان که منافع خود را می‌خواهد این است که دیگران را در راه منافع خود استخدام کند و از بهره کار ایشان استفاده نماید و تنها از راه اضطرار و ناچاری است که به اجتماع تعاونی تن می‌دهد» (طباطبائی، ۱۳۵۳، ص ۱۳۱). در چنین وضعی ممکن نیست انسان به خودی خود و بدون زمینه مناسب و خارج از چارچوب قواعد مستحکم حقوقی و قدرتمند، استخدام و سودجویی از دیگران را رها کند و در راه عدالت اجتماعی گام نهد و حقوق هموعانشان را رعایت کند و هر آنچه برای خود می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد.

از این رو، با توجه به اینکه هر علم و معرفتی از جمله معرفت فلسفی آنگاه ارزشمند است که در عمل به کار آید و در زندگی و خوشبختی انسان نقش شایسته و مفیدی داشته باشد، در غیر این صورت نبودن چنین علم و معرفت بی‌فایده‌ای بهتر از بودن آن است. چنان که پیامبر ﷺ فرموده است: «اللهم أعوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۳۲-۳۳؛ احمد حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۷ و ۳۴۰)؛ باید سازوکاری فراهم شود تا همچنان که با مهندسی مکانیک و دانش فیزیک و فنون آن انرژی مادی تحت نظم درمی‌آید و در خدمت بهره‌مندی مادی انسان قرار می‌گیرد، قدرت و به تبع آن استخدام هم تحت نظم درآید و در جهت رفاه، خوشبختی و تعالی انسان به کار گرفته شود که این وظیفه حقوق، به ویژه حقوق عمومی است تا با تنظیم قدرت به گونه‌ای آن را سازماندهی کند و قالب‌بندی نماید تا نه تنها استخدام موجب فروپاشی جامعه انسانی نشود، بلکه شرایطی را فراهم کند تا همه به هم خدمت کنند و راه نیک‌بختی و رستگاری همگان هموار گردد تا همه عوامل فساد و تباهی در جامعه رخت بربند و زمینه سعادت جاودان انسان آماده گردد.

بنابراین سازماندهی جامعه اسلامی و قانونگذاری برای این جامعه باید دارای سه ویژگی باشد:

۱. روابط اجتماعی باید به گونه‌ای ساماندهی شود که افراد از یکدیگر بهره‌کشی یک‌جانبه و نابرابر نداشته باشند و انسانی، انسان دیگر را در جهت منافع مادی خود به کار نگیرد و «شخص در حدود وسع خود کار کنند

و بعد نتیجه کارها مبادله شود» (طباطبائی، ۱۳۵۴، ص ۹۲). همچون جامعه‌های دیگر، انسان‌ها ابزار کامروایی مادی دیگران نشوند و روش جامعه اسلامی با جامعه‌هایی که صرفاً بر غرایز حیوانی و خواسته‌های دنیوی پایه‌ریزی شده است همانند نباشد؛ زیرا «یکی از بزرگترین اختلافاتی که بین این روش‌ها و روش اسلامی وجود دارد، این است که چون پایه زندگی این اجتماعات بهره‌برداری‌ها و کامروایی‌های مادی است، لذا روح استخدام و استثمار در آن دمیده شده است» (طباطبائی، ۱۳۵۹، ص ۸۲-۸۳).

۲. قانونگذار در جامعه اسلامی نه تنها پدیدآورنده اختلاف طبقاتی نباید باشد، بلکه باید به گونه‌ای طراحی شود که در جهت محو اختلافات طبقاتی باشد و جلوی فزون‌طلبی مادی و جاه‌طلبانه افراد را بگیرد؛ «این امر، انسان اجتماعی را نیازمند به قوانین و مقرراتی می‌سازد که حافظ حقوق افراد باشد و بهره‌هر کسی را از مزایای جامعه مشخص نماید... و زورمندی و ناتوانی موجب ستمگری و ستم‌کشی نشود» (طباطبائی، ۱۳۵۴، ص ۹۲). چون «مطابق آنچه در تواریخ انواع گوناگون اجتماعات بشری مشهود و مضبوط است، این اجتماعات خالی از برتری طلبی که بر تهاهی و فساد منجر می‌شده نبوده است. این اختلافات طبقاتی چه در ثروت یا جاه و مقام از لوازم لاینفک این اجتماعات بوده است. ولی اجتماعی که اسلام به وجود می‌آورد اجتماعی است مشابه‌الاجزاء که هیچ یک از افراد اجتماع بر دیگری تقدم ندارد و هیچ‌گونه برتری جویی و فخرفروشی و بزرگ‌منشی در بین نیست و تنها تفاوتی که مقتضای قریحهٔ انسانی است و فطرت بشر هم از آن ساکت نیست، تقوا است. مسئله تقوا هم راجع به خداست ربطی به مردم ندارد» (طباطبائی، ۱۳۵۹، ص ۸۳-۸۴).

۳. کارگزاران جامعه اسلامی افرادی خاص و از طبقه‌های ویژه نباشند، بلکه همه مردم با داشتن شرایطی برابر بتوانند در اداره جامعه اسلامی شرکت کنند، برای اینکه «در اسلام قوه مجریه یک طبقه ممتاز نیست، بلکه همهٔ افراد اجتماع مشمول این عنوان هستند. هر فردی وظیفه دارد که دیگران را به طرف خیر و خوبی دعوت کند و امر به معروف و نهی از منکر نماید...» (همان).

با توجه به ویژگی‌های مذکور و با توجه به حاکمیت‌گریزی استخدام بر انسان و با در نظر گرفتن اینکه «ده‌ها نمونه‌های قرآنی وجود دارد که خواننده می‌تواند آنها را در قرآن کریم مشاهده کند و این نمونه‌ها دربارهٔ حالت‌های اسراف، سرکشی، فسادگری و ستم سخن می‌گویند و این حالت‌ها به صورت خصلت‌هایی اصیل و ملکه‌ای جدایی‌ناپذیر برای انسان درمی‌آید که در آن از طریق شیوه رفتارش بر ذات و شخص خود پای می‌فشارد... امری که به بهره‌کشی، فسادگری در زمین و تجاوز منجر می‌شود» (حکیم، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹). باید حکومتی در چارچوب ضوابط و مقررات اسلامی وجود داشته باشد تا زمینهٔ رستگاری جاودانه مردم را فراهم سازد و جلوی بهره‌کشی و استخدام یکسویه انسان‌ها را بگیرد تا شرایط اجتماعی برای رشد و تعالی انسان آماده باشد تا همه در برقراری حاکمیت اسلام و اجرای قوانین و ارزش‌های آن مشارکت کنند.

رهبری جامعه اسلامی هم باید طبق همین سنت، جامعه اسلامی را اداره کند و آن را به منزل مقصود که رستگاری انسان‌ها می‌باشد، برساند و هرگونه رابطه ظالمانه را در جامعه اسلامی از بن براندازد که «اسلام به حکم اینکه مذهب است و به حکم اینکه دین خاتم است، بیش از هر مذهب آسمانی دیگر برای برپاداشتن عدالت اجتماعی آمده است و قهراً هدفش نجات محرومان و مستضعفان و نبرد و ستیز با ستم‌پیشگان است» به‌گونه‌ای که نه‌تنها در جامعه اسلامی اثری از ستم و ستمگری باقی نماند، بلکه مردم در شرایطی قرار بگیرند که گرایش به ستمگری نداشته باشند و میل غالب آنها حق‌گرایی، دادگری و انصاف باشد چنان‌که طبق آیه شریفه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ...» (حدید: ۲۵). غرض از فرستادن پیامبران آن است که مردم به دادگری و انصاف برخیزند و برای تأمین منافع فردی به صورت یکجانبه دیگران را به استخدام خود در نیاورند؛ به‌ویژه آنکه «دین، برنامه است؛ برنامه‌ای برای حیات انسان که منتهی به سعادت ابدی او می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۸۱) که لازمه ناگزیر رسیدن به این هدف اجرایی دقیق همه قوانین و احکام الهی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

گام نخست در حل مسائل جامعه و هموار ساختن راه انسان به سوی خوشبختی، شناخت انسان و اجتماعی است که او در آن زندگی می‌کند. نظریه استخدام علامه طباطبائی در مبحث ادراکات اعتباری تبیین‌گر علت اعمال غریزی انسان و تشکیل اجتماع است که به‌گونه‌ای مستدل آن را روشن می‌کند. این نظریه که در میان اندیشه‌های گذشته با روایاتی متفاوت همتایانی دارد از جهت تجربی و شواهد تاریخی به ثبوت رسیده است و تاریخ جامعه انسانی گواهی صادق بر درستی آن است که هر روز در حال تکرار است و در هر اجتماعی به سادگی قابل مشاهده می‌باشد. هر برنامه‌ریزی و قانونی که برای بهبود و تعالی زندگی انسان و خوشبختی او و فراهم ساختن اجتماع برخوردار از وسایل رستگاری انسان طراحی شود در صورتی موفق خواهد بود که این نظریه در ذهن طراحان آن وجود داشته باشد که به طور طبیعی انسان‌ها در اندیشه استخدام و بهره‌کشی از انسان‌های دیگر هستند به‌گونه‌ای که برنامه و قانون تهیه شده به شکلی تهیه شود که با سازوکاری قدرتمند در عمل، جلوی بهره‌کشی یک سویه انسان‌ها از یکدیگر گرفته شود و شرایطی را فراهم آورد تا همه انسان‌ها از منابع جامعه برخوردار شوند و امکانات جامعه در جهت منفعت گروهی خاص به کار گرفته نشود.

هر آگاهی، شناخت و نظریه‌ای درباره هستی، طبیعت، انسان و قوانین حاکم بر آنها، زمانی سودمند و موجه است که به کار گرفته شود و در عمل مفید باشد و نقشی در برطرف کردن نیازهای انسان داشته باشد در غیر این صورت به هر شیوه‌ای که درستی آنها به ثبوت برسد، پدیده‌ای بی‌خاصیت است؛ زیرا آنها نقشی در برطرف کردن درد و رنج انسان‌ها و فراهم کردن زمینه رفاه و آسایش آنها ندارند و بود و نبودشان برای همه یکسان است. نظریه استخدام

علامه طباطبائی هم با وجود آن که شواهد تاریخی و تجربی بسیاری بیانگر صحت آن می‌باشد، از این قاعده خارج نیست و آنگاه سودمند است که در عمل به کار آید و بتواند نقشی در خوشبختی انسان داشته باشد.

با توجه به اینکه چکیده بازده این نظریه این است که انسان در چارچوب غریزه و به طور عادی در روابطش با دیگران تنها سود خود را می‌جوید و هدفش در نزدیکی به انسان‌های دیگر آن است که آنها را در خدمت سود شخصی خویش به کارگیرد و تا هنگامی که عامل بازدارنده‌ای در جلوی انسان نباشد او استخدام را رها نخواهد کرد و این قاعده نسبت به انسانی که به فرمان غریزه در رابطه با دیگران عمل می‌کند استثناء‌پذیر نیست. این نظریه آنگاه می‌تواند سودمند باشد و بود و نبودش یکسان نباشد که در تنظیم روابط انسانی اثرگذار باشد و آن هنگام ممکن است که برنامه‌ریزان و سازمان دهندگان این روابط به‌ویژه در حوزه روابط اقتصادی، اداری، حقوقی و سیاسی این قاعده را در نظر داشته باشند و بدانند که انسانی که رویه طبیعی و عادی او استخدام و بهره‌جویی از دیگران است، همواره ممکن است از موقعیتش در این روابط تنها در اندیشه سود شخصی خودش باشد و اینکه این سودجویی چه بر سر دیگران می‌آورد، هیچ اهمیتی ندهد. هرچند ایمان، اخلاق و باورهای انسان می‌تواند مانعی در برابر استخدام یک سویه و نابرابر انسان‌ها در روابطشان با دیگران باشد ولی ایمان، اخلاق و باورها با توجه به اینکه پدیده‌هایی ثابت و خلل‌ناپذیر نیستند و هر آن ممکن است دچار دگرگونی شوند و هیچ تضمینی برای پایداری آنها وجود ندارد. همچنان که تاریخ آن را به اثبات رسانده است، نمی‌شود تنها با تکیه بر آنها روابط اجتماعی را سامان داد و انتظار سوءاستفاده از این روابط را نداشت. از این رو، لازمه در نظر گرفتن این قاعده حاکم بر انسان، آن است که این روابط به‌ویژه روابط اقتصادی، اداری و سیاسی جامعه در چارچوب قوانین دقیق و روشن، همراه با اجرایی مؤثر و نظارتی فراگیر و قدرتمند و برخوردار از ضمانت اجرای لازم و اثربخش، سازماندهی شود به‌گونه‌ای که هرگونه نقص یا خللی در این مجموعه به موقع شناسایی و برطرف گردد تا در عمل جلوی استخدام و بهره‌کشی یک سویه و نابرابر در روابط انسان‌ها گرفته شود و جامعه شاهد چیرگی این قاعده نباشد.

منابع

- ابن خلدون، بی تا، مقدمه، بیروت، دارالفکر.
- ابن طقطقی، ابوجعفر محمدبن علی بن طباطبائی، *تاریخ الفخری فی آداب السلطانیة*، ترجمه محمد آیتی، بی جا، بی تا.
- احمدبن حنبل، بی تا، *مسند احمد*، بیروت، دارصادر.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه سکولاریسم*، چ دوم، قم، اسراء.
- حکیم، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۷، *جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم*، ترجمه موسی دانش، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان مقدس رضوی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۵۸، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، با مقدمه و باورقی مرتضی مطهری، قم، صدرا.
- ، ۱۳۶۱، *آغاز پیدایش انسان*، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع).
- ، ۱۹۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ، ۱۳۵۹، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، تهران، بعثت.
- ، ۱۳۸۸، *بررسی های اسلامی*، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
- ، ۱۳۵۳، *قرآن در اسلام*، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ، بی تا، *حاشیه الکفایه*، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- ، ۱۳۶۴، *بدایه الحکمه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ، ۱۳۶۲، *نهایه الحکمه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ، ۱۳۵۴، *معنویت تشیع*، قم، تشیع.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۹۸۳، *بحار الانوار*، الطبعة الثانية، بیروت، مؤسسه الوفا.
- مک آریو، ر. م.، ۱۳۴۹، *جامعه و حکومت*، ترجمه ابراهیم علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۳، *نقدی بر مارکسیسم*، قم، صدرا.

Allameh Tabatabai's Theory of Recruitment and its Political and Legal Effects

Mohammad Ghodsi / PhD Student in Law, Tehran University

mohammadd.ghodsi@gmail.com

Received: 2019/01/09 - **Accepted:** 2019/05/01

Abstract

The recruitment as one of the pre-community relative perceptions, which has proposed by Allameh Tabatabai to explain the emergence of community and social relationships, suggests that, due to the tendency of man towards recruiting other human beings, objects and animals before the community, an unequal relationship has been created among humans with the development of society, and it led to the exploitation of the weak and the corruption of the community. So, in order to prevent this situation and prepares the conditions for an equal and double-sided recruitment, along with the public exploitation and salvation, social relations should be balanced by establishing social justice in a clear framework. Focusing on Allameh Tabatabai's works, this paper analyzes the theory of recruitment, its dimensions, as well as its political, legal and practical effects.

Keywords: recruitment, relative perceptions, community, social justice.

Codification of Laws, Illustration of the Concept, Backgrounds and Foundations

✉ **Muhammad Sadiq Frahani** / PhD Student of Public Law, the University of Tehran

msfarahani72@ut.ac.ir

Ali Bahadori Jahromi / PhD Student of Public Law, the University of Tehran, the College of Farabi

Received: 2019/01/02 - **Accepted:** 2019/05/10

a.bahadori.j@gmail.com

Abstract

After more than half a century the adoption of the first legal text on the necessity of enacting the laws of the country has not yet created a single conception of the concept of "Codification" among Iranian lawyers. The current research using library studies and the adoption of an analytical-descriptive approach after identifying the threefold approaches of lawyers in confronting the concept of incorporating laws separating and recognizing them from similar concepts and examining the history of its developments throughout history concludes that the root Failure to provide a single interpretation of the concept of penetration should translate the term "Codification" into consideration without considering the various developments of this approach over time and consider the "Codification" as a process of "Collecting" "Classifying" and "Purifying" the rules. Count In addition contrary to the common sense the basics of the enrichment of laws are not limited to the customary principles and like the first sets of tombstones before the customary root is an Islamic background.

Keywords: Legislation, Codification, Clarity, Accessibility, Shamefulness of Punishment without Declaration of Law.

A Reflection on the Public Property's Distinction from other Properties and its Resulting Effects

Valie Rostami / Associate Professor, Tehran University

vrostami@ut.ac.ir

✉ **Masoud Masoumi** / M.A., University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran
masoomi.masood@yahoo.com

Received: 2018/12/10 - **Accepted:** 2019/04/14

Abstract

At the macro level, concepts such as public ownership and private property can be considered as hierarchical concepts that involve a type of priority and posteriority. In other words, considering the concept of the state sovereignty, and given the meanings and results that can be taken from the concept of state sovereignty in the past, public ownership can be considered as the principle and the body, which originates the private property. Accordingly, in the past, the lawyers were not given the right to the state in private property; rather, they considered the ownership applicable only on the basis of civil law. However, later on, due to the role of governments in the provision of public services, gradually, the governments also gain the right to be the owner of the property. Common property is property that is dedicated to the public and for the benefit of the people such as bridges, museums, passages and etc., and the government only manages and monitors these properties. There are five ways to distinguish public property from other properties: I. belonging to a public person, II. allocating to the public, III. public service, IV. the legislator and V. referring to the nature of property. Due to the general nature of public property, they are subject to their own rules and regulations, which are as follows: I. the principle of non-private ownership, II. the principle of the impossibility of transferring, III. the principle of the impossibility of seizure, IV. the principle of timelessness, V. the principle of the prohibition of exclusive use, and VI. the principle of the invalidity of the evidence of invasion.

Keywords: public property, state property, private property, ownership, state, management and supervision.

The Reasons behind the Annulment the Social Security Organization's Approvals in the Administrative Justice Court's Judicial Precedents (with an Emphasis on Protecting the Rights of Social Security)

Zahra Daneshnari / PhD in Public Law, Tehran University

zdanesh@ut.ac.ir

Received: 2018/10/11 - Accepted: 2019/02/21

Abstract

The Social Security Organization, as a public and non-governmental organization, is committed to protect the social security rights of individuals. The organization was established under the Social Security Act of 1354, and is responsible for the implementation and expansion of various types of social insurance, according the Article 1 of the Social Security Act. Of course, this is not the sole purpose of this organization, but in its macro-vision it aims to create social well-being for all society. Social security rights are considered as one of the new courses in the field of public law. In carrying out its duties and authority, the organization sometimes adopts decisions in the form of regulations and directives, which, according to the jurisdiction of the General Board of Administrative Justice Court, can be appealed to the Court. The new approach of the Administrative Justice Court suggests that this Court, in many respects, has considered certain protective rights besides the status of this organization in invalidating the Social Security Organization's approval, and as a result, in invalidating the decisions under appeal. This paper reviews some of the Tribunal's rules in invalidating the Social Security Organization's approvals along with supporting the social security.

Keywords: The Social Security Organization, rights of the Social Security, Administrative Justice Court, qualification, the reasons for annulment.

The position of freedom in the Islamic Republic of Iran's Constitution

✉ **Seyyed Mohammad Hadi Hassani** / PH.D Student in Public Law

sh.hasani@chmail.ir

Alijohn Heidari / PH.D Student in Public Law

aliheidari199@yahoo.com

Received: 2018/11/16 - **Accepted:** 2018/03/02

Abstract

In the world where freedom is considered as a unique value, it is so important to get the proper cognition from the concept of freedom and its precise position in the constitutions. By scrutiny in the concept of freedom, it can be found that the existing differences between cultures and cultural foundations are the reason for distinctions in the concept of freedom. The Islamic Republic of Iran, as a system that has both Islamism and republicanism, considers Freedom as an inferred genuine religious basis which it has become a national covenant in its constitution. The study of the status of freedom in the constitution of the Islamic Republic of Iran has more importance, since it always stands as the subject of the intellectual and soft aggression of the enemies and also the constitution can be posed as a model for other Islamic countries especially in the era of Islamic awakening. Using a descriptive-analytical method, this paper seeks to study the position of freedom in the Islamic Republic of Iran's constitution.

Keywords: Islamic Republic, Freedom, Constitution, Personal Liberty, Freedom of thought, Political Freedom.

Abstracts

Anthropological Philosophy of Human Rights

Mohammad Reza Bagherzadeh / Assistant Professor, IKI

bagherzadehfirst@yahoo.com

Received: 2019/02/14 - Accepted: 2019/05/01

Abstract

Establishing a real human rights system is depended on determining its subject; in other words, the knowledge of "anthropology". The anthropological views of philosophers and scholars on humanity include a wide - and contradictory range from Godhood to wolfhood, from good to evil essence, from a natural to an unnatural being, from the lordship to servitude, from an authorized to a non-authorized creature, from a mortal or a non-mortal entity, from a super sex to a male, and from purposefulness to aimlessness. Anthropologists also study human beings in various ways, such as observation and experience, or intellect or an extraterrestrial source, such as "revelation", but the best method is using a comprehensive and integrated approach along with the all means of cognition to identify all aspects of mankind. Using a rational-analytical method and comparing atheistic to the Divine approaches, this paper studies the pivotal components in recognition of the mankind's reality, such as the human's servitude, the human physical-spiritual identity, the human nature, the human dignity, the human authority, the human relationship with gender, the human purposefulness, the eternal life of man, the human social identity and etc. These components each have effects the concept of the human rights, which distinguishes the Divine human rights system from the atheist systems.

Keywords: philosophy of human rights, anthropology, dignity, life, individual, society, freedom, nature, gender, soul.

Table of Contents

Anthropological Philosophy of Human Rights / Mohammad Reza Bagherzadeh	7
The position of freedom in the Islamic Republic of Iran's Constitution / Seyyed Mohammad Hadi Hassani / Alijohn Heidari	23
The Reasons behind the Annulment the Social Security Organization's Approvals in the Administrative Justice Court's Judicial Precedents (with an Emphasis on Protecting the Rights of Social Security) / Zahra Daneshnari	43
A Reflection on the Public Property's Distinction from other Properties and its Resulting Effects / Valie Rostami / Masoud Masoumi	57
Codification of Laws, Illustration of the Concept, Backgrounds and Foundations / Muhammad Sadiq Frahani / Ali Bahadori Jahromi	75
Allameh Tabatabai's Theory of Recruitment and its Political and Legal Effects / Mohammad Ghodsi	89

Director-in-charge: *Imam Khomeini Educational and Research Institute*

Managing Director: *Seyyed Ebrahim Hussein*

Editor in Chief: *Ebrahim Mosazadeh*

Executive Manager: *Mohammad Rajabi Elgha*

Editorial Board:

Mohammad Javad Arasta: *Associate Professor, Pardis Farabi University*

Mohammad Reza Bagherzadeh: *Assistant professor IKI*

Seyyed Ebrahim Hoseini: *Assistant professor, IKI*

Vali Rostami: *Associate professor, Tehran University*

Azizallah Fahimi: *Associate Professor, Qom University*

Reza Mohammadi: *Assistant professor, IKI*

Seyyed Fazlollah Mousavi: *Full Professor, Tehran University*

Ebrahim Mosazadeh: *Associate professor, Tehran University*

Seyyed Ali MirDamad Najafabadi: *Assistant professor, IKI*

Seyyed Mahmud Nabaviyan: *Associate professor, IKI*

Address:

IKI

**Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran**

Tel: +982532113477

Fax: +982532934483

Box: 37185-186

www.nashriyat.ir & www.iki.ac.ir

<http://nashriyat.ir/SendArticle>
